

کز نه و فصل جید الی غیر بنمیرد وی مرد در زمان آینه
 فصل یعنی ضرب بزن تو مرد و امر حاضر الی غیر بگو
 تا بزنند وی مرد و امر غایب الی غیر بزن تو مرد
 یعنی حاضر و ضرب جای بزن و وقت بزن تو هم
 و تو هم مکان مقرب الیست بزن تو هم آلت ضرب
 زنده تر تو هم تفصیل **فصل** جید است او را جید
 می باید جید او را بویست فاعل فعل او جید
 و تنبیه بود و جمع بود و تکرار ازینها مذکر بود و مونث
 بود و اجزای تنبیه و جمع زناده از دو **فصل** سخن
 گوینده را گویند مخاطب نه سخن با وی گویند
 آن سخن از وی گویند مذکر مرد و مونث زن **معلوم**
 فصل نافع را چهارده مثال است شش غایب بود
 و شش مخاطب بود و دو حکایت نفس علی است که

و غایب بود
 و مخاطب بود

اینی اینی اینی
 اینی اینی اینی
 اینی اینی اینی
 اینی اینی اینی

آن شش که غایب بود به مذکر را بود و به مونث را
 آن سه که مذکر را بود و لا الی غیر بنمیرد وی مرد در زمان
 آینه صیغه و امر مذکر غایب معلوم فعل یعنی لا الی غیر
 بنمیرند این و امر مرد در زمان آینه صیغه تنبیه
 مذکر غایب بین معلوم فعل یعنی لا الی غیر بزن
 اینک به مردان و در زمان آینه صیغه جمع
 مذکر غایب بین معلوم فعل یعنی **آن سه که** لا الی غیر
 مونث را لا الی غیر بنمیرد وی زن در زمان آینه
 صیغه و اجزای مونث غایب معلوم فعل یعنی لا الی غیر بان
 بنمیرند این و در زمان آینه صیغه تنبیه مونث
 غایب بین معلوم فعل یعنی لا الی غیر بنمیرند این
 به زمان و در زمان آینه صیغه جمع مونث
 معلوم فعل یعنی **آن شش که** می طلب بود به مذکر را

195